

هزینه-تراپیست

خیلی از مردم دلیل مراجعه نکردن به مشاور (تراپیست) را هزینه‌های بالای این جلسات می‌دانند؛ قیمت‌هایی که اشخاص را از درِ سانِ بیماری و اختلالات روانی خود منصرف می‌کند. حتی تعرفه رسمی که از سوی بهزیستی اعلام شده است هم ارقام زیادی را در شرایط سخت اقتصادی امروز نشان می‌دهد. بنا به آنچه در نشست کارکنان دفتر مشاوره و امور روانشناختی سازمان بهزیستی اعلام شد، برای ۴۵ دقیقه مشاوره حضوری بسته به تخصص مشاور برای کارشناس ارشد ۵۰۳ هزار تومان، برای دکتری ۶۲۰ هزار تومان و برای مشاور با بیش از ۱۵ سال سابقه، ۷۰۲ هزار تومان دریافت می‌شود.

بهزیستی طرح‌هایی برای ساماندهی دفاتر مشاوران خصوصی دارد. امسال مراکز غیردولتی رتبه‌بندی خواهند شد و براساس شاخص‌ها، مراکز در رتبه‌های یک تا ۳ یا بدون رتبه قرار می‌گیرند. همچنین دستورالعملی هم برای صدور مجوز مراکز مشاوره اینترنتی اجرا می‌شود. با توجه به آمارهایی که درباره ابتلای ۲۵ درصد جمعیت ایران به اختلالات روانی اعلام شده، به‌نظر نمی‌آید این اقدامات در کوتاه‌مدت، به کاهش سطح تنش‌های روانی در جامعه کمک کند.

خبرخوان

فرمانده سپاه محمد رسول‌الله تهران اعلام کرد: **۵ منطقه جنوبی تهران، قرارگاه محرومیت‌زدایی شبانه‌روز فعال است.**

رئیس پلیس راهور گفت: گران‌ترین جریمه فعلی مربوط به رانندگی در حالت مستی به مبلغ **۲ میلیون تومان** است؛ درحالی‌که باید بیش از ۲۰ میلیون تومان باشد و مجازات‌های تکمیلی سنگین‌تر نیز ضرورت دارد.

به‌گفته مسئول طرح «فنی» تاکتون بیش از ۱۹ هزار مادر با حمایت مادران حامی از تصمیم خود برای سقط جنین منصرف شده‌اند. همچنین انتظار تولید بیش از **۷ هزار نوزاد** دیگر نیز می‌رود.

پیشنهاد برای رفع معضل

مشاور حقوقی و وکیل کانون بازنشستگان کشور با ارائه پیشنهادهایی به سازمان تأمین اجتماعی، می‌گوید: حالا که پرداخت قدرالسهم برای سازمان

اصل و شرح



نوسان در درمان

سالمندان

ماجرای قطع و وصل بیمه تکمیلی بازنشستگان

جامعه امروز

فاطمه عسگری نیا | روزنامه‌نگار | از اول آذرماه بیش از ۱۲ میلیون بازنشسته و خانواده‌هایشان یکباره با قطع خدمات بیمه تکمیلی خود در مراکز درمانی روبه‌رو شدند. البته حرف و حدیث‌های زیادی درباره این چالش مطرح است و فعالان اجتماعی عضو کانون بازنشسته‌ها سازمان تأمین اجتماعی را مسئول اصلی این اتفاق می‌دانند و معتقدند عدم پرداخت سهم تعرفیف شده سازمان بابت بیمه تکمیلی بازنشسته‌ها و بدهی به شرکت آتیه‌سازان باعث بروز این مشکل شده است. از طرفی سازمان تأمین اجتماعی اعلام می‌کند هیچ نقشی در این فرایند نداشته و ندارد و اگر مشکلی پیش آمده مسئولیتش با کانون بازنشستگان است؛ روایت‌هایی که در نهایت دردی از بازنشستگان بابت جبران هزینه‌های درمانی دوا نمی‌کند و دود این دعوا هم به قول قدیمی‌ها در چشم همین ۱۲ میلیون بازنشسته و خانواده‌هایشان می‌رود.

تأمین اجتماعی سخت است، بهتر است سازمان به الزامات و تکالیف قانونی خود در خصوص ارائه صفر تا صد خدمات درمانی کامل و بی‌نقص درمانی در بیش از ۴۰۰ مکان ملکی درمانی خود اقدام کند و با تجهیز این مراکز به نیروهای مجرب و خبره و ساماندهی نظام نوبت‌دهی، بستری فراهم کند که دیگر بازنشسته‌هاینازی

مقصر کیست؟

علی اعلا مینایی، مشاور حقوقی و وکیل کانون بازنشستگان کشور با بیان اینکه به موجب قانون الزام و مصاده ۵۴ و مواد قانونی موجود دیگر، سازمان تأمین اجتماعی موظف است خدمات درمانی کامل و بی‌نقص به بازنشستگان ارائه دهد به همشهری می‌گوید: «مشکلی که وجود دارد این است که سازمان به هر دلیل اعم از نبود نقدینگی، نداشتن سازوکار مناسب یا... از این مسئولیت و تکلیف شانه خالی کرده است و کانون بازنشستگان مجبور شده در سایه این خلأ از حدود سال ۸۸ اقدام به انعقاد قرارداد بیمه تکمیلی با شرکت‌های بیمه‌ای کند.»

تعهدی که عملی نشد

او با اشاره به انعقاد بیمه تکمیلی بازنشستگان طی ۱۲ سال گذشته با شرکت بیمه آتیه یادآور می‌شود: «متأسفانه در این بخش هم سازمان تأمین اجتماعی به وظایف قانونی خود عمل نمی‌کند. قصه هم از این قرار است که طبق قراردادی که مسامعند کرده ایم باید نیمی از مبلغ بیمه تکمیلی توسط سازمان تأمین اجتماعی پرداخت شود و نیمی دیگر توسط بازنشستگان. گرچه سازمان تأمین اجتماعی شفاها قول پرداخت این سهم را در جلسات مشترک با ما و بیمه تکمیلی هر سال می‌دهد، اما از آنجا که باز رنگی از مشارکت در امضای قرارداد فیما بین طرفه می‌رود، باعث بروز مشکلاتی در این مسیر می‌شود؛ از عدم پرداخت حق‌السهم تعیین‌شده خود گرفته تا بی‌توجهی به نظارت‌ها و حسابرسی‌هایی که باید از شرکت بیمه تکمیلی در ازای خدمات درمانی ارائه‌شده به بازنشستگان انجام دهد.»

پولی که به مقصد نرسید!

به‌گفته این کارشناس حقوقی کانون بازنشستگان از آنجا که از یک‌طرف سازمان تأمین اجتماعی، نه به تکلیف مقرر در قانون عمل می‌کند، نه قرار داد امضا می‌کند و نه

نظارت و حسابرسی انجام می‌دهد و از طرف دیگر از آنجا که کانون بازنشستگان در حد قوانین خودش می‌تواند وارد جزئیات و عقد قرارداد شود، همیشه باید این چالش برای بازنشستگان در بحث بیمه تکمیلی و خدمات درمانی دریافتی را شاهد باشیم: «مروز سازمان تأمین اجتماعی مدعی است چون قراردادی امضا نکرده، چالش‌های مربوطه هم ارتباطی با این سازمان ندارد؛ درحالی‌که اگر توافق‌های شفاهی ما با سازمان وجود نداشته باشد به هیچ‌وجه از همان ابتدای کار قراردادی با شرکت‌های بیمه منعقد نمی‌شود. سال گذشته قیمت پرداختی حق بیمه تکمیلی به ازای هر بازنشسته ۴۳۰ هزار تومان بود که از این مبلغ ۱۵ هزار تومان از حقوق بازنشستگان کسر و ۲۱۵ هزار تومان از سوی سازمان تأمین اجتماعی باید به حساب شرکت آتیه پرداخت می‌شد، این درحالی است که طی ۷ ماه گذشته سازمان تأمین اجتماعی نه‌تنها سهم خود را به شرکت آتیه پرداخت نکرده، بلکه حق بیمه کسرشده از حقوق بازنشستگان را هم به حساب این شرکت واریز نکرده است.»

بار اضافی بر دوش بازنشستگان

اعلا مینایی می‌گوید حداقل حق بیمه اعلامی به ازای هر نفر ۷۰۰ هزار تومان از سوی شرکت بیمه اعلام‌شده که در این شرایط سهم بازنشسته و سازمان تأمین اجتماعی هر کدام ۳۵۰ هزار تومان می‌شود. این در حالی است که سازمان تأمین اجتماعی این مبلغ را قبول ندارد و معتقد است باید با همان قیمت سال گذشته (۲۱۵ هزار تومان) یا نهایتاً ۲۶۰ هزار تومان قرارداد منعقد شود؛ موضوعی که شرکت بیمه زیر بار نمی‌رود و اگر این موضوع از سوی سازمان پذیرفته نشود هر باز نشسته باید به ازای هر نفر حداقل ۵۰۰ هزار تومان بابت حق بیمه تکمیلی پرداخت کند.

به بیمه تکمیلی نداشته باشند، ما هم قول می‌دهیم بازنشستگان را به صبوری در تهیه نوبت‌ها و پیگیری مراحل درمانی خود در این مراکز تشویق کنیم، او همچنین وعده داد ظرف ۲-۳ روز آینده موضوع بیمه تکمیلی بازنشسته‌ها تعیین تکلیف و مشخص شود.

بحران کمبود جمعیت جوان ایران را تهدید می‌کند

افزایش امید به زندگی آمار سالمندی را افزایش داده است

ستین بالاتر، رشد سریع جمعیت میانسال و سالمند را رقم زده و خواهند زد. این گزارش تأکید می‌کند که این تحولات تنها بخشی از واقعیت جمعیتی ایران است و جریان‌های مهاجرت داخلی و بین‌المللی نیز ابعاد دیگری از این تغییرات را شکل می‌دهند. به‌دنبال افزایش جمعیت سالمندان، نقش خانواده و دولت در تأمین رفاه این گروه بیش از گذشته اهمیت یافته است. اگرچه در یک قرن گذشته در سراسر جهان از بار مسئولیت خانواده کاسته و بر تعهدات دولت افزوده‌شده، اما اکنون نظام‌های بازنشستگی پایداری زندگی منجر شده است. به‌گفته کارشناسان، این افزایش طول عمر که از حدود ۱۰ سال عمر باقیمانده در سن ۶۵ سالگی در اوایل دهه ۱۳۴۰ به حدود ۱۶ سال در ابتدای دهه ۱۴۰۰ رسیده نیازمند برنامه‌ریزی گسترده برای تأمین نیازهای سالمندان است. در کنار این تحول مثبت، باروری کشور نیز در مدت کمتر از دو دهه از الگوی چندفرزندی برای هر زن به «کمتر از دو فرزند» سقوط کرده است؛ تغییری بنیادین که ساختار سنی جمعیت را به‌شدت دگرگون کرده و توازن سنتی میان گروه‌های اصلی جمعیتی به‌ویژه جوانان و سالمندان را بر هم زده است. اکنون نسل‌های پرشماری که در دوران باروری بالا متولد شده‌اند، با احتمال بیشتر زنده‌ماندن تا



تاکسی برای این راننده خوش‌سلیقه، حکم ویرترین برای نمایش صنایع دستی ایران را دارد و از سنگ‌های قیمتی تا میناکاری‌های اصفهان و قالیچه‌های کوچک با وسواس خاصی در فضای تاکسی جا گرفته‌اند.



ترش را شیرین می‌کنند

زرشک در افین، زنان رانیز حسابی به کار واداشته‌از چیدن و چک‌زنی و بسته‌بندی تا دست چنیاندن در کارگاه‌های فرآوری زرشک (مربا، ترشی، شربت، پودر مزه). قمر یکی از آنهاست که دست و پنجه‌اش در ریخت مربا و تهیه ترشی‌های ملس زرشک، چشیدنی است: «از برکت زرشک کمتر کسی اینجا مرض قند دارد یا کبدش چرب است و با رگ‌های قلبش گرفته...» از شست‌وشوی آخر سبیدی پر از دانه‌های زرشک که خلاص می‌شود تم دست‌هایش را با چادری که به کمر پیچانده، می‌گیرد. نوبت شکر پاشی است: «افین ۱۵ کارگاه فرآوری محصولات زرشک دارد که اگر خانم‌ها میاندارش نیابند، کارشان لنگ می‌ماند.» خاطره هم زیاد دارد به‌ویژه از زمانی که یکی از ساکنان چراغ بوم گردی افین را روشن کرد: «سال گذشته خانمی فرانسوی آمد روستا دوستی ایرانی داشت که هر وقت خراسان می‌آمد برایش مربای زرشک از افین سوغات می‌برد، تا اینکه آن دوست در ایران ماندگار شد و دیگر به فرانسه بازنگشت و از آنجا که زرشک افین به دهان خاتم فرانسوی مزه کرده بود، راهی اینجا شد.» قمر سری هم به آشپزخانه‌اش می‌زند تا مبادا آش شلغمی که برای اهل خانه بار گذاشته، ته‌بگیرد. کم‌کم کبک غروب می‌رسد و مردان بی‌خیال باغ‌های لخت و عور از زرشک‌هایی که تا ینگه دنیا صادر شده‌اند به خانه بازمی‌گردند؛ پیش از آنکه زوزه بادهای کوهی و سرد در افین بلند شود.



افعی، مغول و طعم جهانی زرشک افین



حالا فصل چک‌زنی است و مردان پرشماری میان شاخه‌های کپه و ورآمده و با پهن و تخت شده زرشک دیده می‌شوند؛ مانند طاهر که باغش نزدیکی قلعه متروک افین است: «اینجا گر دشگر زیادی آمد و شد ندارد... شاید سالی ۴۰ یا ۵۰ غریبه بیاید و برود...» دندانه‌های فولادی چک را میان شاخه‌های زرشک فرو برده تا به پرتابی کوتاه آنها را در هوا بکنند: «خوب یا بد، آن ۴۰ یا ۵۰ گر دشگر هم بیشتر به‌خاطر تماشای باغ‌های زرشک افین که آوازه جهانی دارد می‌آیند، نه این قلعه و آن آسیاب تاریخی یا حتی آن رودخانه قدیمی که افعی داشت و از سر همان افعی، اسم روستا شد افین...» بی‌نام‌ونشان افین و افعی را زعیم که کارگر ساده یکی از باغ‌هاست، می‌گیرد: «ما هم از بانو (پدر بزرگ) و بی‌بی‌هایمان شنیده‌ایم که چون کنار رودخانه مار افعی خایان داشت، اسم روستا چنین شده...» با جارویی باریک، زرشک‌های چک‌شده را وسط تالار جمع می‌کند. انگار که چیزی خاطرش آمده: «البته بعضی‌ها هم می‌گویند اسم روستا افین است از دفن، متعفن یا تعفن که قصه‌اش نیز به حمله مغول و دفن ساکنان روستا بازمی‌گردد.» تاریخش اگر با افعی یا دفن رفته ولی اکنونش با زرشک‌های خوشمزه که به خورد و خوراک ایرانی و غیر ایرانی طعم می‌دهد، سپری می‌شود.



روستای زرشکی

درباره روستای افین که زرشک‌های بومی و اهلی مشهوری دارد

گزارش

سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار | از شرق، حدود ۳۰ کیلومتر یا میل ۷۸ مرزی ماهیرود فاصله دارد و از غرب، بعد از گذر از چند روستا به بیابان‌های طپس منتهی می‌شود. خانه‌های کم و خشتی با گنبدهایی کوچک، با همه سادگی و کمی دورافتادگی، الوان است: بهار، زرد و طلایی، تابستان، پر نقالی و نارنجی گرم و پاییز هم سرخ سیر است. «افین» این رنگ‌ها را از دانه‌های آبدار زرشک که در ختجه‌هایشان پر دونم دونم (هر دونم برابر با هزار متر مربع) زمین‌های اطرافش کاشته شده‌اند، دارد؛ دانه‌هایی که قرن‌هاست بومی و اهلی‌های سرد و خشک و خاک بار آور افین‌اند و از این‌رو به شهر تی جهانی و قیمتی چندصد هزار تومانی رسیده‌اند. روستای افین در بخش زهان شهرستان زیر کوه استان خراسان جنوبی است که سفره‌داران و سر آشپزان و شکم‌بازان جهان از آن با نام پایتخت زرشک جهان یاد می‌کنند.

اینجا زرشک کم از زر ندارد

بیشتر از یک‌ماه از فصل زرشک‌چینی (اول تا پایان مهر) گذشته. «زرشک را باید با شاخه چید تا زود آیش بر چیده نشود. زرشک یک‌ساله و...» این را فر دوس، یکی از کشاورزان می‌گوید که همواره به کم و زیاد زمین‌زادهای افین راضی بوده و شکر گفته؛ چه وقت‌هایی که خشکسالی بوده یا عمر در ختجه‌هایش به بی‌بار و بری رسیده و چه حتی بعد از زلزله سال ۷۳ که کاشت و برداشت زرشک سخت شد و بسیاری از افین‌نشینان به حاجی‌آباد، قائن و بیرجند کوچیدند. شور علی، کشاورزی دیگر است که شاخه‌های چیده‌شده را کمی دورتر از باغ خود به تالار (قطعه زمینی روستا) ریخته تا آفتاب‌دیده شوند: «کف تالار باید کاهگل مالانده باشد تا آفتاب بهتر اثر کند... بعضی کشاورزان که کنار باغشان تالار کاهگلی ندارند شاخه‌های زرشک را کف‌انداز آغل خانه‌هایشان می‌کنند.» آفتاب، شاخه و برگ‌های زرشک را پوک و پوچ می‌کند تا زحمت چک‌زنی (به هوا تکاندن یا چنگک) برای کشاورزان کمتر شود؛ هر چند که دسته چوبی چک‌ها یا چنگک‌های زخم‌های زرشک‌چینی (فرو رفتن خار شاخه‌های زرشک) دستان‌شان را درد می‌آورد.



گزارش

هشتگ روز

خدا را ج‌جمع‌ه‌سياه

دروغی به اسم بلک‌فرایدی

فهمیه طباطبایی | روزنامه‌نگار | از دیک به ۲ دهه است که ایران طبق یک الگوی جهانی درگیر بلک‌فرایدی یا همان جمعه سیاه شده و هر سال، تبلیغات گسترده انواع فروشگاه‌ها برای حراج بزرگ تا ۲ هفته پیرامون این روز ادامه دارد. اما این حراج در ایران چقدر واقعی است؟ مردم معتقدند که قیمت‌های اجناس پیرامون این روز در ایران دروغ و حتی گران‌تر از مبلغ اصلی است و فروشگاه‌های انگشت‌شماری حراج واقعی بر گزار می‌کنند. کاربری در شبکه ایکس نوشته: «توی آمریکا تلویزیون سامسونگ مدل t4K تا ۷۰ درصد حراج خورده، چون آگه نفروشن، توی انبارهایشون با اومدن مدل جدید می‌مازاد می‌مونه، پس تخفیف بالا می‌زنن که بفروشن اما توی ایران به‌علت نوسان دلار و محدودیت واردات از این خبرها نیست و حتی قیمت بالاتر هم می‌ره.» روایت‌های مردم از جمعه سیاه بی‌شمار است. کاربر دیگری نوشته: «جنسی رو که هفته پیش از یک فروشگاه معتبر اینترنتی خریدم یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومن، دیسب ر فتم ببینم توی بلک‌فرایدی چقدر شده، دیدم قیمت اصلی روز ۳ میلیون و روش خط زده نوشته ۲ میلیون و ۵۰۰، یعنی گرون‌تر از قبل حراج!» جمعه سیاه برای مردم وقتی معنا دارد که تفاوت معناداری در قیمت‌ها ببینند نه اینکه به اسم حراج با دروغی به اسم دستکاری قیمت‌ها روبه‌رو شوند. به همین علت است که داستان حراج سیاه جمعه در ایران شبیه هیچ کشور دیگری نیست؛ چون قیمت دلار افزایشی است و برای فروشنده حراج یعنی ضرر اما از طرفی نمی‌خواهد فرصت چنین روز جهانی‌ای را برای فروش بیشتر از دست بدهد، برای این همین قیمت را بالاتر از رقم مدنظرش قرار می‌دهد و یک تخفیف صوری روی آن می‌گذارد؛ همین است که مردم دیگر به حراج این روز اعتمادی ندارند و بازارها در چنین روزهایی هم رونق نمی‌گیرند.